

فیلم امپراطور جهنم به روایت پرویز شیخطادی

همه چیز درباره داعش و تندروهای دیگر



فیلم‌های امروز

درباره مغزهای کوچک زنگ‌زده

اعترافات یک ذهن خطرناک!؟

نیز در این اثر حضور داشت. شهاب حسینی یکی از بازیگران این فیلم است که تنها ۱۰ کلمه دیالوگ می‌گوید و کم‌دیالوگ‌ترین نقش اصلی عمرش را بازی می‌کند. منتقدان سینمای ایران آفریقا را در زمره آثار سینمای نو نوار ایران برشمردند. همچنین برخی هومن سیدی را ادامه‌دهنده سبک اصغر فرهادی می‌دانند (البته با دوپاژ و قاب‌بندی‌های متفاوت و غیر کلاسیک) او همچنین نویسنده و کارگردان تئاتر روایت ناتمام یک فصل معلق بوده است. از دیگر فعالیت‌های او، آموزش هنرجویان بازیگری در آموزشگاهش است. او در دو فیلم بلند اولش بازیگران جدیدی مثل امیر جدیدی و بیستا میرطهماسب را به سینمای ایران معرفی کرد. فیلم‌های هومن سیدی در مقام کارگردان یعنی آفریقا، سیزده، اعترافات ذهن خطرناک من و خشم و هیاهو جوایز متعددی از جشنواره‌های فجر و ورسوی لهستان و جشنواره فیلم پوسان کره جنوبی و شانگهای چین و جشنواره فیلم شهر دریافت کرده‌اند.

درباره فیلم

مغزهای کوچک زنگ‌زده پنجمین ساخته هومن سیدی بعد از فیلم‌های «آفریقا»، «سیزده»، «اعترافات ذهن خطرناک من» و «خشم و هیاهو» محسوب می‌شود. به گفته سیدی «مغزهای کوچک زنگ‌زده» ملودرام‌ترین کارش محسوب می‌شود و به لحاظ تکنیکی از زمین تا آسمان با کارهای قبلی‌اش فرق دارد. طبق شنیده‌ها فیلم را برای قاطع هیأت داوران به بخش مسابقه جشنواره آمده است.

فیلم‌های سیدی همیشه با استقبال خوبی در جشنواره فجر و اکران روبرو شده، چه در میان منتقدان و چه در میان مخاطب عام. از جایزه بهترین فیلم برای (آفریقا) تا جایزه ویژه هیأت داوران برای (خشم و هیاهو). اتفاقی که امسال به احتمال فراوان بار دیگر برای مغزهای کوچک زنگ‌زده رخ می‌دهد. در واقع می‌توان گفت، این فیلم در بخش‌های زیادی از شانس‌های اصلی دریافت جایزه است. نوبت محمدزاده می‌تواند برای سومین سال پیاپی در بخش بهترین بازیگر هت ترک کند. فرهاد اصلاتی هم شانس زیادی برای جایزه دارد. بخش‌های کارگردانی، فیلمنامه، فیلم، فیلمبرداری، طراحی صحنه و چهره‌پردازی هم شانس بسیار زیادی برای موفقیت دارند. ضمن این‌که از فیلم برگزیده مردم هم نباید غافل شد؛ که هومن سیدی خود طرفدارانی دارد.

مغزهای کوچک زنگ‌زده جدیدترین ساخته هومن سیدی و پنجمین فیلم بلند او بعد از خشم و هیاهوست. فیلم داستان خانواده‌ای را که در محله‌ای در جنوب شهر زندگی می‌کنند و کارگاه تولید موادمخدر صنعتی دارند، روایت می‌کند. سه برادر به نام شه‌ره، پدر و مادر و مادر بزرگ اعضای این خانواده هستند. شاهین با بازی نوید محمدزاده، شکور با بازی فرهاد اصلاتی بازیگران و نقش‌های اصلی فیلم هستند و البته فرید سجادی حسینی و نازنین بیاتی هم در این فیلم که بیشتر لوکیشن‌هایش یک محله در جنوب شهر است، نقش‌های مهمی دارند.

درباره مغزهای کوچک زنگ‌زده نخستین نکته‌ای که باید گفت، ساخته‌های قبلی هومن سیدی همگی برای مخاطب جذابیت داشته است؛ خصوصاً که سیدی فیلم به فیلم در کارش پیشرفت کرده و حالا آن‌هایی که در اکران‌های خارج از سینمای ملت این فیلم را دیده‌اند، معتقدند که این اتفاق در فیلم جدیدش به اوج رسیده است. شاید از این‌رو باشد که با جرات می‌شود گفت ساخته جدید سیدی کنجکاوی زیادی را برای تماشاگران ایجاد کرده است. نقش‌های بازیگران فیلم بسیار متفاوت از کارهای قبلی آنها و از نقاط قوت اصلی فیلم است.

در خلاصه داستانی که سازندگان فیلم به رسانه‌ها داده‌اند، نوشته‌اند که این فیلم درباره «مغزهایی است که زنگ زده‌اند!» که شاید خود این جمله گنگ بهترین توضیح برای این موضوع باشد که قرار است چه نوع فیلمی بنیمیم، چه، هومن سیدی بعد از آفریقا، سیزده، اعترافات ذهن خطرناک و خشم و هیاهو اکنون در پنجمین فیلمش به مرتبه‌ای رسیده که تماشاگری که فیلمش را برای دیدن انتخاب می‌کند، از پیش می‌داند قرار است چه نوع فیلمی ببیند.

درباره کارگردان

هومن سیدی کارگردان، فیلمنامه‌نویس و بازیگر سینما و تئاتر و تلویزیون پس از ساخت چند فیلم کوتاه نخستین فیلم بلند خود را در سال ۱۳۸۹ با نام آفریقا کارگردانی کرد. این فیلم در بیست‌ونهمین جشنواره فیلم فجر در بخش آثار ویدیویی جایزه بهترین فیلم و بهترین بازیگر نقش اول زن (آزاده صمندی) را از آن خود کرد. سیدی به غیر از کارگردانی، به‌عنوان نویسنده و تدوینگر

حمله به کشورهای منطقه به‌خصوص ایران، تحقیقی را درباره تکفیری‌ها شروع کردم. در این تحقیق سعی کردم که از موضع روانشناختی جریان‌های تکفیری و تکفیری به فیلمنامه نگاه کنم و در نتیجه برای پرداختن بهتر به این مسأله، به یک داستان رسیدم.

تولید

همه چیز را از زبان خود پرویز شیخطادی می‌خوانیم: داستان اصلی امپراطور جهنم نگارش و در شوراهای اولیه بنیاد روایت‌فیلیم نیز پذیرفته شد. اما در جریان همین پذیرش بود که بروز تغییر و تحولاتی در شوراهای مایع تولید فیلم شد. فیلم از اولویت شوراهای این پروژه همین مسأله تهیه‌کنندگی بود. در نهایت ۴ سال طول کشید تا توانستم نظر شوراهای مختلف و مدیران فرهنگی که اهرم اجرایی در دست آنهاست را برای تولید یک اثر با نگاه بنیادی به انحرافات عقیدتی در جهان اسلام یا خود همراه کنم. زیرمعتقدم اگر به صورت بنیادی به این مهم توجه نکنیم، راه به جایی نمی‌بریم. تلاش کردیم کاری بسازیم که از واقعیت دور نباشد و بتواند با مخاطب هم ارتباط خوبی برقرار کند. امیدوارم که مخاطبان نیز پس از تماشای فیلم از فیلم رضایت داشته باشند.

در پایان باید پرسید ارزیابی خود شیخطادی از کارش در این فیلم چیست که می‌گوید: در جریان کارگردانی فیلم مسطح استنادی برای فیلم تعیین کردم؛ سطح بالایی که کار در آن به گونه‌ای طراحی شده که بتواند در این اتفاقات عمل کند و خوش ساخت باشد و تماشاگر از فیلم لذت ببرد. تخصص‌های مختلف و نوظهور جدید داخلی از جمله ویژوال افکت، طراحی صحنه و گریم در این اثر استفاده شده و به ارتقای کیفی فیلم کمک بسیاری کرده است. فیلم مجموعه‌ای از این تکنیک‌ها در مسطح بالاست که امیدوارم مخاطبان از آن لذت ببرند.

جهنم است. در واقع این گونه باید بگویم که فیلم امپراطور جهنم بر آن است که به این موضوع بپردازد این حال نمی‌توان گفت که جهان اسلام بیمار شده است؛ در جریان پرداخت بیشتر به داستان و اصل فیلمنامه بود که به این نقطه رسیدیم. این محور در واقع یکی از نکات مهم و اصلی این فیلمنامه است. وقتی در خلوت خود به مسائل تکفیری‌ها و سلفی‌ها و فعل آنها که به نام اسلام گذاشته می‌شود فکر می‌کنم، به این نتیجه می‌رسم که کشتار مردم درناک و غم‌انگیز است اما جریان تکفیری که با حمایت مفتی‌ها و رژیم سعودی ایجاد و فرقه شده نیز یک جنایت است که زیرساخت‌های دین را نشانه گرفته است. بر اساس همین ذهنیت و محوریتی که اشاره کردم، در امپراطور جهنم داستان اندیشه بیمار یک مفتی به تصویر کشیده شده است؛ داستانی که در نهایت خود به این جمع‌بندی رسیده است که اندیشه‌های مخرب مفتی‌هایی از این دست تا چه خطر اندازد. داستان این اندیشه را با خود همراه دارم و پرداخته شده که مفتی‌ها چه جور افرادی هستند و نحوه رهبری آنها بر داعش چگونه است. چگونگی و چرایی صدور فتوایی که به نام اسلام و اسلام‌گرایی صادر می‌شود یکی از مهمترین نقاط پرداخت‌شده در فیلمنامه امپراطور جهنم است.

چه خواهیم دید؟

اما وقتی چنین کلی، در این مورد که فیلم می‌خواهد ایدئولوژی خاصی را مورد تحلیل قرار دهد، در مورد فیلمی صحبت شود، تماشاگر قطعاً سردرگم می‌ماند که داستان فیلم درباره چیست و مخاطب این فیلم در سالن سینما قرار است چه چیزی را ببیند. پرویز شیخطادی پاسخ این پرسش را چنین می‌دهد: داستان اصلی فیلمنامه امپراطور جهنم درباره برخی از سران و بزرگان داعش است. در امپراطور جهنم به این پرداخته شده که مفتی‌ها چه جور افرادی هستند و چرایی صدور فتوایی که به نام اسلام و اسلام‌گرایی صادر می‌شود یکی از مهمترین نقاط پرداخت‌شده در فیلمنامه امپراطور جهنم است.

ریشه

چه خواهیم دید؟

این که چه می‌شود کارگردانی به این نتیجه می‌رسد که باید درباره چنین جریان‌های فیلم بسازد، شاید ریشه در خرده اتفاقاتی داشته باشد که موجب می‌شوند پدیده‌ای در ذهن خالق ابعادی غول‌آیاخته و او را به سوی خلق هنری هدایت کند. باید گفت این اتفاقات کوچک در مورد شیخطادی چه زمانی رخ داده و یا به عبارتی جرقه نگارش و ساخت امپراطور جهنم را چه زمانی در ذهن شیخطادی زده است. این کارگردان پنج‌جاهوش سال‌ها می‌گوید در واقع جرقه اصلی نگارش فیلمنامه امپراطور جهنم به سال ۱۳۹۰ بازمی‌گردد. از آن سال با توجه به تحولات منطقه و تجمع مجموعه کشورهای وابسته به آمریکا علیه ایران و شیوه



درباره چهارراه استانبول جدیدترین فیلم مصطفی کبابی

پلاسکوها دیگری در راه‌اند...



آتش‌سوزی که به هر دلیلی می‌تواند حادث شده باشد؛ بلکه سوختن و فروپاشی ساختمان پلاسکو را سوختن و فروپاشی بخشی از اقتصاد ایران قلمداد می‌کنند. با این همه فیلم به دام شعار نمی‌افتد و با درایت و هوشمندی مفاهیم و مسائل مورد نظرش را در جریان حوادث و وقایع درام به مخاطب می‌بازراند. صحنه‌های بازسازی شده آتش‌سوزی ساختمان پلاسکو به خوبی از صحنه‌های واقعی الگوگیری و به درستی با آنها ترکیب شده‌اند. استفاده از تکنیک دوربین رودست به خوبی حس و حال یک فیلم اجتماعی که بر اساس اتفاقی واقعی ساخته شده را به مخاطب منتقل می‌کند. حرکت‌های سریع دوربین میان جمعیت هنگام آتش‌سوزی، حس و حالی مستندگونه به صحنه‌های آتش‌سوزی می‌دهد و فیلمساز از عهده این مهم که بازسازی فضای آتش‌سوزی بوده، به خوبی برآمده است.

با توجه به موارد ذکر شده، فیلم از المان‌های لازم و کافی برای دست یافتن به فروشی بالا در گیشه برخوردار است و پیش‌بینی می‌شود موفقیت تجاری چشمگیری برای آبرای خالقش به دنبال داشته باشد.

محمدرضا بحرانی | چهارراه استانبول فیلمی است حادثه‌ای با محوریت آتش‌سوزی ساختمان پلاسکو فیلم به شکل موازی زندگی چند خانواده از نظر می‌گذراند و این را هکتر نگاه‌ی بر مشکلات اقتصادی-اجتماعی جامعه ایران می‌افکند. مسأله استفاده از روایت موازی موجب تعدد داستان‌ها و تعدد داستان‌ها موجب تعدد شخصیت‌ها می‌شود. داستان‌ها و شخصیت‌هایی که همگی در یک نقطه اتصال می‌یابند: روز ۴۸ دی ماه هزار و سیصد و پنجاه و پنج ساختمان پلاسکو. فیلمساز با ذکاوت و هوشمندی در انتخاب پرسوناژها توانسته است ارتباطی معنی‌دار میان خرده‌پیرنگ‌هایش ایجاد کند. خرده‌پیرنگ‌هایی که هر کدام به شکلی مستقیم و غیرمستقیم به حادثه پلاسکو ارتباطی می‌یابند.

پلاسکو در این فیلم تنها یک ساختمان نیست که بسوزد، دود بشود و به هوا برود. یک ساختمان معمولی نیست. پلاسکو، پوشاک ایران است. پلاسکو، تولید داخلی است. پلاسکو اقتصاد مقاومتی است. پلاسکو، نه به کالاهای کم‌کیفیت خارجی است؛ پلاسکو، میزان جدیدی که ملت در حمایت از فرزندان خویش است. در این فیلم تلاش شده به شکلی فشرده ابعاد مختلف حادثه پلاسکو مورد بررسی قرار گیرد. از جانفشانی‌های شهدای آتش‌نشان تا سوءمدیریت‌های نهاد‌های مربوط به مدیریت بحران. در عین حال فیلم این توان را دارد که با بسط مفهوم پلاسکو و سوختن و فروریختن آن ساختمان مسائل دیگری نظیر مهاجرت، قاچاق، فقر، بزه‌کاری اجتماعی و... مورد بررسی قرار دهد.

داستان فیلم در یک بازه ۴۸ ساعته اتفاق می‌افتد. فیلم از لحاظ ریتم از الگوی ریتمی فیلم‌های حادثه‌ای تبعیت می‌کند و ریتمی تند و پویانده دارد. چنین ریتمی را فیلمساز به فراخور پرداختن به حادثه پلاسکو انتخاب کرده و به تبع آن بقیه خرده‌پیرنگ‌ها را به شکلی نظام داده است که همگی از التهاب و استرس حادثه‌اصلی تبعیت کنند. فیلم در عین تلخی و گزندگی ماحصل از پرداختن به حادثه پلاسکو، طنزی ملیح نیز در زیر لایه خود دارد. استفاده از هزج روی بهرام رادان- محسن کبابی (الگوی نشیگر کای تجاری و رشک‌سته) جواب داده و لحظات مفرح‌جی را برای تماشاگران حاضر در سالن به ارمغان آورده است. فیلم سعی می‌کند نه‌پن‌زنده و هشداردهنده باشد و این پیام را به مخاطب خود منتقل کند که پلاسکوها دیگری می‌تواند در راه باشد.

فیلم، واقعه پلاسکو را به چشم یک حادثه نمی‌نگرد. یک حادثه صرف. یک

در شب دوم جشنواره چه گذشت؟

پودیس بی‌سطل!



فضاسازی از نیمه دوم فیلم دیگر اسکی به مغز ما بود، چون کارگردان رفته جنوب کشور و با خودش گفته عجب فضایی بگیرم! آقا تا می‌تونی بگیرم! اصافا هم صحنه‌های فشنگی گرفته‌ام خوب «بدنی‌ها» که قرار نیست ببینیم برادر من، فیلم را از است بینیم و قندما در تعریف فیلم گفته‌اند اجزا آن چنان به هم مربوطند که اگر یک عضو را بیرون بکنی، دگر عضوها را نم‌اند قرار. چیست؟ یک سطل زباله پلاستیکی، اهتی، چنی یا هر جنس دیگری پیدا نمی‌شود این بیرون. یعنی مدیر پردیس ملت محض، رضای خدا از خانه‌اش هم بر نداشتند. یک پیتی سطلی چیزی بی‌لورد که خبرنگاران مجبور نباشند زباله‌اش را بیابند زمین. مثلاً وقتی سیگارم را کشیدم، با نه سیگارم چه کنم؟ بکنم در حلقم؟

سمت یک کارهایی می‌برد، چون نظر من این است که کاراکتر دقیقاً شبیه چپ‌ک است؛ باید چاق کرد، چاق کرد، چاق کرد تا خوب گر بگیرد، بعد دودش را فرستاد آسمان. برعکس این آقا، اوایل شیطنتهایی داشت، خوب و بدی‌هایی داشت، بگیرنگری‌هایی داشت اما از وسط فیلم به بعد سر یک حسادت، پکوه و پریش گرفت رقیب را خاک کند. در واقع می‌خواهم بگویم این درست نیست که ناگهان کاری کنیم مخاطب تف کند به صورت کاراکتر. اما خوب در فضاسازی، آقای نعمت‌الله همیشه نعمت سینمای ایران بوده اگر بخوایم برایتان مثال بزنم، همان «رک خواب» را که کلا دو خط قصه داشت، یک مقدار چاق‌تر و پرویم‌انتر کشید، می‌شود «شعشعلور». نه این که قصه‌هایشان شبیه به هم باشد، نه مقصودم فرزنشیب‌های داستان بود، اما همین

یاسر نوروزی | یک رسمی وجود دارد مبنی بر این که با اسم یا فامیل آدم‌های پیشکسوت برایشان لقب درست می‌کنند چه رسم بی‌مزه و بی‌نمکی، مثلاً «حزرت سینمای ایران» را به عزت‌الله انتظامی می‌گویند که واقعا جالب نیست. ایشان در این عرصه استاد است و نیازی نیست از این زبان‌بازی‌ها با نام و فامیلش شود. حالا فرض کن یکی اسمش حجت بود. بگویم حجت سینمای ایران آمد؟! یا قدرت سینمای ایران؟! تا فیلم «شعلور» حمید نعمت‌الله شروع شود، داشته به این چیزها فکر می‌کردم، چون باز هم تا آخر ۲۰ دقیقه‌ای اکران شد و من هی با خودم گفتم لقب آقای نعمت‌الله بعدها می‌شود نعمت سینمای ایران؟! تازه فیلم هم که شروع شد، باز در این تفکرات بودم. یعنی تا همین حجابی را دیدم، با خودم گفتم بعدها که پیشکسوت شد، بهش می‌گویند حجابی سینمای ایران؟! امین سینما؟! البته اگر فوتبالیست می‌شد و گل نمی‌زد، جالب‌تر از آب درمی‌آمد. تصور کن همه یک‌صداداد می‌زدند «حیایی، حیایی» و «استادیوم را کن! هر چند که واقعا در فیلم «شعلور» در خدیش، بازی خوبی داشت که همه بعد از فیلم درباره آن می‌گفتند و از همین الان شرط می‌بندم جزو نامزدهاست. «شعلور» هم احتمالاً نامزدهایی در بعضی بخش‌ها داشته باشد، هر چند که کارگردان محترم بیشتر از این که در ساختن یک فیلم فوق‌العاده موفق باشد، در خراب کردن یک شروع فوق‌العاده موفق بود. حالانی گویم خراب خراب که خیلی بدبین باشم، ولی خدایی این فیلم «شعلور» را باید گذاشت وسط با شمشر سامورایی دو شق‌شاش کرد شقه اول بسیار جذاب و ریتم‌دار و پرکشش، شقه دوم کند و خواب‌آور و خمیازه‌درکن. کلان‌نمایم چرا آقای نعمت‌الله همینطوری شخصیت را شخمی به